

بازتعریف دلالت «ثمانیه ازواج» در آیه شش سوره «زمر» با تکیه بر روابط معنایی شمارواژه «ثمانیه»^۱

علی رضا فخاری*

زهرا بشارتی**، کورش صفوی***، عباس اشرفی****

چکیده

در آیه شش سوره مبارکه «زمر» درضمن اشاره به آفرینش انسان از نفس واحده، بر نزول «ازواج ثمانیه» از چهارپایان در آیه «[...] وَ أَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ الْأَنْعَامِ ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ [...]» اشاره شده است. انتساب فعل «انزل» به «ثمانیه ازواج» منجر به ارائه دیدگاه‌هایی ازسوی مفسران کلام الهی مانند یک‌سان‌انگاری «خلق» و «نزول»، «قراردادن بر روی زمین» و «تقدیرکردن» این حیوانات شده است. درحالی‌که، به مفهوم ترکیب «ثمانیه ازواج» ازمنظر به‌کاررفتن عدد «ثمانیه» و روابط معنایی آن با معدود فعل هم‌نشین و دیگر اجزای آیه توجه نشده است. این امر بررسی دیگر دلالت‌های محتمل «ثمانیه ازواج» را ضروری می‌نماید. بر این اساس، عدد «ثمانیه» و معدود آن، «ازواج»، ازمنظر ریشه‌شناسی و نمادشناسی در ادیان و فرهنگ‌های گوناگون تحلیل و بررسی شد. سپس، این معانی با تکیه بر کاربردهای قرآنی تبیین شد و روابط معنایی این ترکیب با فعل هم‌نشین «انزل» و سیاق آیه تحلیل و بررسی شد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که «ثمانیه ازواج» بر معانی دیگری افزون‌بر معنای متبادر «هشت زوج از چهارپایان» دلالت می‌کند.

کلیدواژه‌ها: تعادل، ثمانیه ازواج، ریشه‌شناسی، روابط معنایی، قرآن، نزول، نمادشناسی.

* دانشیار علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول)، fakhari.bsh@gmail.com

** دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علامه طباطبائی، mrs.besharati@yahoo.com

*** استاد زبان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، safavi_korosh@yahoo.com

**** دانشیار علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علامه طباطبائی، dr_ashrafi@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۸/۰۱

۱. مقدمه

فهم صحیح یک متن واکاوی دقیق کلمات و اصطلاحات به کاررفته در آن را می‌طلبد. بدین سان که مدلول تک‌تک واژگان و ترکیب‌های متن و نیز ارتباط منطقی اجزای درون آن بررسی شوند. از جمله آیاتی که فهم ژرف‌تر تعبیر به کاررفته در آن ضروری می‌نماید، آیه «خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَ أَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ الْأَنْعَامِ ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ يَخْلُقُكُمْ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ خَلْقًا مِنْ بَعْدِ خَلْقٍ فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ [...]» (زمر: ۶) است. در قرآن کریم به آفرینش ازواج ثمانیه از چهارپایان اشاره شده که مصادیق آن، باتوجه به آیات ۱۳۳ و ۱۳۴ سوره «انعام»، چهار جفت از چهارپایان، میش و بز و شتر و گاو، است. باید در نظر داشت که سیاق قبل و بعد از «أَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ الْأَنْعَامِ ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ» آفرینش انسان از نفس واحده و مراحل خلقت او را با فعل «خلق» مورد توجه قرار داده، در حالی که «ثمانیه ازواج» به هم‌نشینی فعل «انزل» به کار رفته است. مفسران درباره اسناد «انزال» به «ثمانیه ازواج» دیدگاه‌های گوناگونی دارند. برخی انزال و خلق را یکی دانسته‌اند (ابن جوزی ۱۴۲۲ ق: ج ۴، ۸؛ فیض کاشانی ۱۴۱۵ ق: ج ۴، ۳۱۴). دیدگاهی نیز مطرح است که «انزال» را به «جعل» تعبیر کرده است؛ یعنی خداوند چهارپایان را پس از خلق روی زمین قرار داده است (مقاتل بن سلیمان ۱۴۲۳ ق: ج ۳، ۶۷۰؛ طبری ۱۴۱۲ ق: ج ۲۳، ۱۲۴). عده‌ای نیز رویکرد کلامی به این آیه داشته‌اند و «نزول از آسمان» را وصفی از قضای الهی و تقدیر او دانسته‌اند، بدان سبب که وجود یافتن هر موجودی در لوح محفوظ نوشته شده است (زمخشری ۱۴۰۷ ق: ج ۴، ۱۱۴؛ فخر رازی ۱۴۲۰ ق: ج ۲۶، ۴۲۴). یا به تقدیر چهارپایان از خزینه‌های غیب ذیل این آیه اشاره کرده‌اند (طیب ۱۳۶۹ ش: ج ۱۱، ۲۸۶؛ طباطبایی ۱۴۰۲ ق: ج ۱۷، ۲۳۸). در این میان، رویکردی مجازی به کاربرد «انزال» در آیه مشاهده می‌شود، بدین ترتیب که مجاز سبب و مسبب باعث شده تا نزول را به چهارپایان نسبت دهند (ابن عطیه ۱۴۲۲ ق: ج ۴، ۵۲۰؛ زحیلی ۱۴۱۸ ق: ج ۱۲، ۱۹۸). بر این اساس، باتوجه به تفاوت تعبیر در انتساب افعال مربوط به آفرینش انسان و حیوان در آیه شش سوره «زمر» و تأکید بر عدد «ثمانیه» و «زوجیت» و ازسویی اشاره به چهارپایان در سیاقی که قبل و بعدش خلقت انسان را مطرح کرده، لازم است واژگان و اجزای آیه مذکور با نگرشی عمیق‌تر واکاوی شوند. بنابراین، می‌توان با تکیه بر مفهوم‌شناسی دلالت‌های «ثمانیه» و روابط معنایی آن با سایر اجزای آیه، از جمله فعل هم‌نشین و معدود «ازواج»، با تأمل در قرآن و روایات و زبان عربی و استفاده از ریشه‌شناسی تاریخی واژگان در فرهنگ‌های

بازتعریف دلالت «ثمانیه ازواج» در آیه ۶ سوره «زمر» ... ۴۳

پیش از نزول قرآن و نیز بررسی نمادشناختی واژگان در فرهنگ‌ها و ادیان گوناگون به این پرسش پاسخ داد که دیگر دلالت‌های مقبول «ثمانیه ازواج» با در نظر داشتن روابط معنایی شمارواژه «ثمانیه» در آیه شش سوره «زمر» چیست.

۲. معنای واژه «ثمانیه»

باتوجه به مصادری که از دوران پیش از نزول قرآن برجای مانده، شمارواژه «ثمانیه» در زبان‌های عبری و سریانی و حبشی به معنای عدد هشت بوده و معانی دیگری برای آن ذکر نشده است (Leslau 1991: 803; Costaz 2002: 584; Gesenius 1939: 1033). بررسی این واژه در زبان و فرهنگ عرب نیز حاکی از دلالت شمارواژه هشت به معنای شمارشی و عددی است («و اتسعتُ الشيء إذا كان ثمانية و أتمته تسعة») (خلیل بن احمد ۱۴۰۹ ق: ج ۱، ۳۲۵). چنین دیدگاهی در آرای دیگر لغویان و لغت‌پژوهان نیز مشاهده می‌شود (ابن سیده بی‌تا: ج ۱، ۲۲۷؛ جوهری ۱۴۰۷ ق: ج ۴، ۱۶۰۹؛ زمخشری ۱۳۹۹ ق: ۷۷؛ ابن فارس ۱۴۰۴ ق: ج ۱، ۳۴۷). در حالی که برخی از این منابع به معنای شمارواژه هشت با تکیه بر کاربردهایی از «واو ثمانیه» اشاره کرده‌اند (فیروزآبادی بی‌تا: ج ۴، ۴۸۰؛ طریحی ۱۳۷۵ ش: ج ۱، ۴۲۸). در شرح واو ثمانیه آورده‌اند که از ویژگی‌های زبان عرب الحاق «واو» به هشتمین مورد است: واحد، اثنان، ثلاثه، اربعه، خمس، سته، سبعة و ثمانیه. این «واو» دلالت دارد که عدد هفت در نزد ایشان کامل است (یعقوب ۱۴۰۸ ق: ۵۱۳). از این رو، اهل عرب وقتی به عدد هشت می‌رسند، واوی بر آن می‌آورند که به «واو ثمانیه» معروف است (ابن عطیه اندلسی ۱۴۲۲ ق: ج ۳، ۵۰۸؛ حریری ۱۲۷۲ ق: ۱۳۱). ابن هشام نیز در شرح واو ثمانیه کامل شدن عدد هفت و آمدن هشتمین مورد پس از واو به منزله استیناف را از قول حریری آورده است (حریری ۱۲۷۲ ق، به نقل از ابن هشام ۱۹۹۸ م: ۴۷۴). بنابر چنین کاربردی، باید از «هشت» به مثابه عدد آغاز مجدد یا اتحاد یک هفت‌تایی و آغازی جدید تعبیر کرد که ملهم معنای بازآفرینی است. دیدگاه‌های مختلفی درباره به کار رفتن یا پرهیز از این «واو» در قرآن مطرح شده که در بخش کاربردهای قرآنی به تفصیل بررسی خواهد شد.

تتبع در منابع تاریخی و گزارش‌های نمادشناختی درباره «ثمانیه» از معانی گوناگون این شمارواژه حکایت می‌کند. نظم و هماهنگی (کوپر ۱۳۹۲ ش: ۲۷۱)، تعادل (شوالیه و گبران ۱۳۸۷ ش: ج ۵، ۵۴۶-۵۴۹)، قانون‌مندی طبیعی (شفرد ۱۳۹۳ ش: ۲۵۹). اصلی‌ترین معنی نمادین برای عدد «هشت» در فرهنگ‌هاست. این عدد به «عدد تعادل کیهانی» معروف است

و از آن به «عدد جهات اصلی» تعبیر می‌شود. باتوجه به مفهوم تعادل و هماهنگی در عدد هشت است که خطوط یی‌چینگ و ستون‌های مینگ‌دانگ هشت‌تایی‌اند و نمادگرایی تعادل مرکزی که در ضمن نمادگرایی عدالت معنا می‌دهد، در اگدواد، خدایان هشت‌گانه فیثاغورسی و غنوسی، بازیافته می‌شود (شوالیه و گریبان ۱۳۸۷ ش: ج ۵، ۵۴۶-۵۴۹). در معماری مقدس، سازه هشت‌ضلعی نگه‌دارنده معبد است (کوپر ۱۳۹۲ ش: ۲۷۱؛ نورآقایی ۱۳۸۷ ش: ۸۳). هشت، از نظر سرخ‌پوستان، عدد همه قوانین طبیعی است (شفرد ۱۳۹۳ ش: ۲۵۹). در گزارش‌های تاریخی از فرهنگ عرب جنوب شبه‌جزیره، به این نکته اشاره شده که اعراب، برای حفظ تعادل، ستون‌های ساختمان‌های اصلی را هشت‌ضلعی و شانزده‌ضلعی، که از مضارب هشت است، می‌ساختند (علی ۱۳۹۱ ق: ج ۱۵، ۳۹). «ثمانیه» نزد عرب فضیلت داشته، زیرا عددی است که از چهار دوتایی تشکیل شده که درون خویش مجموعه‌هایی مساوی دارد و به قول عرب: «کل مصنوع فیه التساوی اکثر، فهو افضل» (رسائل اخوان الصفا ۱۹۹۲ م: ج ۱، ۲۱۴-۲۱۵).

«قدسیت» را می‌توان از معانی نمادین ذکرشده عدد هشت دانست (شیمیل ۱۳۹۵ ش: ۱۷۳-۱۷۵؛ شوالیه و گریبان ۱۳۸۷ ش: ج ۵، ۵۴۶-۵۴۹؛ کوپر ۱۳۹۲ ش: ۲۷۱؛ شفرد ۱۳۹۳ ش: ۲۵۹). تقدس عدد هشت بدان علت است که برای برخی اقوام خوش‌یمن بوده و عدد خوش‌بختی است (کوپر ۱۳۹۲ ش: ۲۷۱). در برخی آیین‌ها «هشت» به دلیل تعداد درهای بهشت، ستون‌های مینگ‌دانگ، فرشتگان عرش، هشت وجه لینگا، بازوان ویشنو که چهارجفت‌اند و با هشت نگهبان فضا در ارتباط‌اند مقدس انگاشته شده است. در فرهنگ آفریقایی نیز از هشت فرشته و نیا سخن گفته شده که خود را قربانی کردند تا زمان قطعی به وجود آمدن نسل بشر را بر زمین تضمین کنند (شوالیه و گریبان ۱۳۸۷ ش: ج ۵، ۵۴۶-۵۴۹). در باور چینیان عدد هشت خوش‌یمن و جاودانه است و بر هشت شیء ارزش‌مند دلالت می‌کند (شفرد ۱۳۹۳ ش: ۲۵۹). در انجیل، مسیح، در هنگام موعظه روی کوه، هشت‌بار از تعبیر «خوشا به حال» استفاده می‌کند و به نظر می‌رسد که تقسیم راه منتهی به سلامت ابدی به هشت مفهومی تاحدی جهانی است (شیمیل ۱۳۹۵ ش: ۱۷۳-۱۷۵). تطهیر در سنت یهودی بعد از کامل شدن هفت روز و در روز هشتم انجام می‌گیرد (لاویان ۱۲: ۳).

هم‌چنین، «هشت» به معنای آغازی در سطحی دیگر است و از آن به عدد «آغاز مجدد» و «اتحاد» و «رستاخیز» تعبیر شده است (همان؛ کوپر ۱۳۹۲ ش: ۲۷۱؛ نورآقایی ۱۳۸۷ ش: ۸۳). در شرح علت نام‌گذاری «آغاز مجدد» به عدد هشت آورده‌اند که باتوجه به آفرینش نمونه

بازتعریف دلالت «ثمانیه ازواج» در آیه ۶ سوره «زمر» ... ۴۵

نخستین انسان، عدد کمال، یعنی «هفت»، شکل دیگری از پایان و مرگ است و مفهوم «خلق دوباره» را با افزودن یک شماره به عدد کمال نشان می‌دادند (مالمیر ۱۳۸۷ ش: ۲۸۳). از آنجایی که هفت عدد کمال است، هشت یعنی هفت به‌اضافه یک که نماد شروع دوباره است؛ هشت یعنی تحقق آنچه هفت آماده و کامل کرده بود (شیمل ۱۳۹۵ ش: ۱۷۳-۱۷۵). از این رو، به «هشت» عدد اتحاد نیز گفته شده که از اتحاد یک دسته کامل (عدد تامه) و آغاز دسته جدید ساخته می‌شود (شوالیه و گریبان ۱۳۸۷ ش: ج ۵، ۵۴۶).

در ژاپن وجه دیگر دلالت نمادین هشت را معنای «فزونی و بی‌شماری» می‌دانند. ژاپنی‌ها از دیرباز ژاپن را هشت جزیره بزرگ می‌دانستند، درحالی‌که از جزیره‌های بی‌شماری تشکیل شده است. این نگرش به عدد هشت در آیین و فرهنگ شیئتویی نیز مشاهده می‌شود (همان). بنابراین، با تکیه بر معنای «فزونی و بی‌شماری» برای شمارواژه «هشت» نماد بی‌نهایت ریاضی را به شکل عدد هشت لائینی طراحی کرده‌اند (همان: ۵۴۹).
باتوجه به رویکردهای نمادشناختی، معانی «تعاذل و قانون‌مندی»، «قدسیت»، «فزونی و بی‌شماری» برای این شمارواژه بیان شده است. در این میان، به معنای نمادین «بازآفرینی» یا «آغاز مجدد»، در آیین‌ها و فرهنگ‌های گوناگون، هم‌سو با کاربرد «او ثمانیه» در زبان و فرهنگ عرب توجه شده است.

۳. واژه‌شناسی «زوج»

واژه «زوج» (در قالب جمع) هم‌راه با شمارواژه «ثمانیه» به شکل ترکیب «ثمانیه ازواج» در آیه شش سوره «زمر» به کار رفته است. از این رو، بررسی این واژه از منظر ریشه‌شناسی و کاربردهای نمادشناختی در فهم آیه ضروری است.

«زوج» در زبان‌های سامی مانند عبری، آرامی تارگومی، سریانی و دیگر زبان‌ها کاربرد داشته است. برخی چون جفری با تکیه بر وجود این واژه در دیگر زبان‌ها و کهن‌بودن کاربردهایش، غیرعربی‌بودن آن را نتیجه گرفته و بر این باورند که زوج واژه وام‌گرفته کهنی است که از طریق زبان آرامی از یونان برگرفته شده است (جفری ۱۳۷۲ ش: ۲۳۸)، ولی آن‌گونه که جفری وصف کرده است، به علت وجود یک واژه در زبان‌های کهن، نمی‌تواند غیرعربی‌بودن آن را اثبات کند. بنابراین، می‌توان درباره وجود این واژه و کاربردهای معنایی آن در زبان‌های کهن آگاهی یافت، اما نمی‌توان به سادگی در مورد معرب‌بودن واژه زوج قضاوت کرد. با بررسی ریشه «ز - و - ج» در زبان‌های سامی معانی ترکیب کردن، پیوند دادن،

وصل کردن، و جفت کردن را از این واژه می توان دریافت (Jastrow 1903: vol. 1, 38, 383; Brun 1895: 4; Macuch and Drower 1963: 157; Costaz 2002: 85).

باید در نظر داشت که در مقابل معانی یادشده، برای ریشه «زوج» در زبان های آرامی تارگومی و سریانی معانی دیگری چون «جنگیدن»، «ارابه جنگی دو اسبی»، و «قیچی» نیز گزارش شده است که بر تضاد و تقابل در ریشه این کلمه دلالت دارد. شیرزاد و همکارانش از دیدگاهی دیگر سخن به میان می آورند و «قیچی» را معنای جامع تمامی مراحل فرایند ساخت معانی گوناگون از ماده زوج می دانند، زیرا قیچی از به هم پیوسته شدن و وصل شدن دو لبه به یک دیگر ساخته شده است. این ابزار فقط زمانی می تواند کارکرد خود را ایفا کند که نخست دو لبه آن به صورت جفت و دوتایی به کار افتد و یک لبه بدون دیگری قادر به برش اجسام نخواهد بود؛ دوم، کارکرد این ابزار مرهون یک رابطه تضادی و تقابلی میان دو لبه آن است. به بیان دیگر، جفت این لبه ها با نقش تقابلی یک دیگر توانایی اجرای کارکرد خود را خواهند داشت. بنابراین، آنچه در قیچی مشاهده می شود، نبود یک تضاد واقعی میان لبه های آن است. در واقع، قیچی تضادی قطبی که منجر به ارتباط نداشتن لبه های آن شود، ندارد، بلکه چون این تضاد ممتمی و مکملی است، به هم بستن و به هم پیوستن این دو لبه به یک دیگر ممکن است. از این رو، این تضاد ظاهراً قطبی تقابلی رقابت آمیز و خصومت آمیز میان آن ها نیست، بلکه تضاد مکملی و ممتمی است که از طریق پیوستن آن ها به یک دیگر موجبات کامل شدنشان را فراهم می آورد (شیرزاد و دیگران ۱۳۹۵: ش: ۱۳۵). این دیدگاه برای تبیین معنای زوج و برقراری ارتباط میان معنای پیوند دادن و جنگ و ضدیت از شرح و تحلیل کلمه قیچی بهره برده و تضاد در رابطه زوجیت را ضدیتی ظاهری دانسته است. در حالی که با مراجعه به منابع و زبان های کهن تر از آرامی و سریانی، می توانست بدون نیاز به این شرح و تفصیل تکلف آمیز رابطه معنایی مذکور را تفسیر کند. برای نمونه، هنگامی که سه حرف اصلی «زوج» در فرهنگ لسلاو بررسی و مطالعه شود، این نتایج یافت می شود که «زوج» به معنای «same» و «couple» که همان معنای گزارش شده پیشین از جفت بودن و شباهت داشتن است، از همین ریشه «تزوج» به معنای «be coupled»، «be equal»، «be similar» است (Leslau 1991: 645). با تأمل در این معانی، می توان رابطه زوجی را نوعی شباهت دانست و رابطه ای تعادلی تلقی کرد که از معنای «equal» حاصل می شود. بر این اساس، زوجیت رابطه ای تعادلی است که میان دو قطب برقرار می شود.

کلمه «زوج» در فرهنگ و لغت عرب نیز کاربردهای فراوان داشته است. لغویان به نمونه هایی از ازواج و دوتایی ها مانند زوج بودن کبوتران: «لفلان زوجان من الحمام»، لباس ها

از حیث رنگ آن‌ها: «زوج من الثیاب» اشاره کرده و از زوجیت به مقارنه دو شیء تعبیر کرده‌اند (خلیل بن احمد ۱۴۰۹ ق: ج ۶، ۶۶؛ صاحب بن عباد ۱۴۱۴ ق: ج ۷، ۱۴۸؛ زمخشری ۱۴۰۷ ق: ج ۲، ۱۸۰). هم‌چنین، به این نکته اشاره شده که به هریک از طرفین، به تنهایی «زوج» اطلاق می‌شود: «الزَّوْجُ: امْرَأَةُ الرَّجُلِ وَ كَذَلِكَ الزَّوْجَةُ وَ الرَّجُلُ زَوْجٌ أَيْضاً» (صاحب بن عباد ۱۴۱۴ ق: ج ۷، ۱۴۸؛ ابن فارس ۱۴۰۴ ق: ج ۳، ۴۵؛ ابن منظور ۱۴۱۴ ق: ج ۲، ۲۹۱؛ مصطفوی ۱۳۷۶ ش: ج ۴، ۳۶۰). بدیهی است همان معنای مشهور زوجیت از معانی فوق برداشت می‌شود. برخی لغویان به معنای دیگری از واژه «زوج» اشاره کرده‌اند عبارت «زاجاً زوجاً بینهم» را به معنای اختلاف‌افکنی میان طرفین در زوجیت دانسته‌اند (ازهری ۱۳۴۷ ق: ج ۱۰، ۳۳۲؛ ابن منظور ۱۴۱۴ ق: ج ۲، ۲۸۵؛ فیروزآبادی بی تا: ۱۹۲؛ مرتضی زبیدی ۱۴۱۴ ق: ج ۳، ۳۹۶). هرچند اختلاف و تفاوت در رابطه زوجیت باشد، مقارنه و پیوندی که میان آن دو برقرار می‌شود، طرفین را در رابطه زوجیت به نوعی تعادل می‌رساند.

زوج یا جفت در فرهنگ‌ها و ادیان مختلف معانی نمادین نزدیکی داشته است. «تضاد و کشمکش» اصلی‌ترین و اولین معنای نمادین این واژه در فرهنگ‌های گوناگون بوده است (شوالیه و گربران ۱۳۸۷ ش: ج ۳، ۲۶۸، ۲۶۹؛ بهزادی ۱۳۸۲ ش: ۳۹۲؛ کوپر ۱۳۹۲ ش: ۱۰۹؛ نورآقایی ۱۳۸۷ ش: ۳۵؛ شیمل ۱۳۹۵ ش: ۶۸). برای نمونه، دو قطبی‌گری نمادین در میان حیوانات نر و ماده دیده می‌شود (شوالیه و گربران ۱۳۸۷ ش: ج ۳، ۲۶۸-۲۶۹). قطبی‌گری در میان موجودات عالم با تقسیم رابطه داشته و سبب استمرار حیات مادی است. بنابراین، از دوتایی‌ها به نماد قطبیت و تقسیم تعبیر شده است (شیمل ۱۳۹۵ ش: ۵۹، ۶۱). جفت‌ها نماد دوگانگی‌هایی چون «خیر و شر» و «چپ و راست» هستند (شفرد ۱۳۹۳ ش: ۳۵۸). از این رو، نوعی کشمکش در جفت‌های متضاد برقرار است (بهزادی ۱۳۸۲ ش: ۳۹۲). البته، می‌توان از آن‌ها به وحدت تضادها در جهان تجلی تعبیر کرد (کوپر ۱۳۹۲ ش: ۱۰۹). اشتراوس، با رویکرد ساختارگرایی، در ضمن بررسی نمونه‌هایی از قبایل اندونزی و آمریکای شمالی، نتیجه می‌گیرد که تضادها می‌توانند ملاک تعریف هویت برای گروه‌ها و کلاس‌های مفاهیم و درعین حال ملاک تعریف ابعاد ارتباطی میان دو قطب باشند؛ یعنی از خلال تضادهای آشنا و فراگیر میان ذهن انبای بشر، ساختارهای مشابهی در شرق و غرب عالم در میان مردمان و قبایل ابتدایی شکل گرفته است (Lévi-Strauss 1974: 161). کاربست این نظریه سبب تجمیع معانی «تضاد» و «پیوندیافتن» در مفهوم واحد «ساختار ناشی از تضاد» می‌شود. معانی نمادین دیگری نیز برای دوتایی‌ها مشاهده می‌شود. برای مثال،

دوتایی‌ها نماد قدرت مضاعف به‌شمار می‌روند (نورآقایی ۱۳۸۷ ش: ۳۵). از آن‌ها به نماد توازن و ثبات نیز تعبیر شده و گاهی نماد قدسیت‌اند (شیمل ۱۳۹۵ ش: ۲۶۳). برای نمونه، در اساطیر ژاپنی ایزاناگی و ایزانامی دوگانه مقدس خواهر و برادرند که تمام جزیره‌های ژاپن و خدایان ژاپنی از ازدواج این دو به‌وجود آمده‌اند (نورآقایی ۱۳۸۷ ش: ۳۵).

بر این اساس، «زوجیت» در ادیان و فرهنگ‌های مختلف به معانی نمادین قطبیت، تقسیم، قدرت مضاعف، توازن، ثبات، تضاد، و پیوندیافتن بوده است. در این میان، فصل مشترک دیدگاه‌های ارائه‌شده در منابع لغوی عربی و غیرعربی و نیز فرهنگ‌های نمادشناسی واژگان درباره‌ی واژه «زوج» را باید مفهوم جفت‌بودن و پیوندیافتن دو شیء به سبب شباهتی دانست که با هم دارند. این پیوند با تقسیم منجر به استمرار حیات مادی می‌شود. طرفین در رابطه‌ی زوجی نوعی تفاوت و اختلاف دارند، بی‌این‌که ضدیتی واقعی در کار باشد و در مجموع با پیوند زوجی به تعادل می‌رسند.

۴. کاربردهای قرآنی

شناخت معنای واژگان با تکیه بر موارد به‌کارگیری آن‌ها در قرآن از جمله اصلی‌ترین روش‌های فهم آیات و اصطلاحات قرآنی است. از این رو، در این بخش، به مفهوم‌شناسی دو کلمه «ثمانیه» و «زوج» پرداخته می‌شود.

۱.۴ ثمانیه

شمارواژه «هشت» در پنج آیه از قرآن به‌کار رفته که در چهار آیه با کلمه «ثمانیه» و در یک آیه با کلمه «ثامنهم» ذکر شده است. «ثمانیه» با هم‌نشینی «ایام»، در آیه «سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَ ثَمَانِيَةَ أَيَّامٍ حُسُومًا فَتَرَى الْقَوْمَ فِيهَا صَرْعَى كَأَنَّهُمْ أُعْجَازُ نَخْلٍ خَاوِيَةٌ» (حاقه: ۷)، به هشت روزی دلالت می‌کند که عذاب الهی بر قوم عاد نازل شده است. بعضی، باتوجه‌به قرینه «حسوما» به معنای «تتابع و پشت‌سره‌م‌بودن»، از «ثمانیه ایام» در این آیه مفهوم «کامل پشت‌سره‌م و بدون فرجه‌بودن روزهای عذاب» را برداشت کرده‌اند (مقاتل بن سلیمان ۱۴۲۳ ق: ج ۴، ۴۲۱). از سوی، نحس‌بودن این ایام با تکیه بر روایتی مرفوع از امام صادق (ع) مطرح شده است. بر این پایه، روز چهارشنبه ابتدا و انتهای این هشت روز دانسته شده و از آن به نحس‌بودن این ایام تعبیر شده است (فیض کاشانی ۱۴۱۵ ق: ج ۵، ۲۱۷؛ کاشفی سبزواری ۱۳۶۹ ش: ۱۲۸۹؛ حویزی ۱۴۱۵ ق: ج ۵، ۴۰۲). پشت‌سره‌م‌بودن روزهای عذاب

باتوجه به معنای شمارشی عدد «ثمانیه» می‌تواند ناظر به مدت هشت روز باشد یا این‌که شامل یک مجموعه هفت‌روزه و شروع مجموعه‌های جدید باشد (عذاب‌های قبلی که در مدت هفت روز کامل شده و شروع عذاب‌های جدید در روز هشتم). از مفهوم اخیر، می‌توان نمادین بودن عدد اتحاد (یک دسته کامل و آغازی جدید) یا طولانی بودن و فزونی ایام عذاب را برداشت کرد. چنین کاربرد نمادینی از عدد «ثمانیه» در بسیاری ادیان و فرهنگ‌ها نیز دیده می‌شود که پیش‌تر از نظر گذشت (برای آگاهی بیش‌تر، بنگرید به شیمیل ۱۳۹۵ ش: ۱۷۳-۱۷۵؛ کوپر ۱۳۹۲ ش: ۲۷۱؛ نورآقایی ۱۳۸۷ ش: ۸۳). روایتی هم که به چهارشنبه بودن روز شروع و پایان عذاب و نحس بودن آن اشاره می‌کند، بر اثر جاافتادگی در سند نمی‌تواند به منزله منبعی معتبر مورد استناد قرار گیرد.

«ثمانیه» در آیه «وَالْمَلِكُ عَلَىٰ أَرْجَائِهَا وَيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَانِيَةَ» (حاقه: ۱۷) در مورد حمل عرش الهی به کار رفته است. اغلب مفسران با تکیه بر روایات به یافتن معدود «ثمانیه» در این آیه اهتمام ورزیده‌اند. برای نمونه، به روایتی از امام باقر (ع) استناد کرده‌اند که چهار تن از نخستین نوح (ع)، ابراهیم (ع)، موسی (ع)، عیسی (ع) و چهار تن از آخرین محمد (ص)، علی (ع)، حسن (ع)، حسین (ع) را حاملان عرش الهی دانسته‌اند و از عرش به علم تعبیر کرده‌اند: «حَمَلَةُ الْعَرْشِ ثَمَانِيَةٌ أَرْبَعَةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَأَرْبَعَةٌ مِنَ الْآخِرِينَ فَأَمَّا الْأَرْبَعَةُ مِنَ الْأَوَّلِينَ فَنُوحٌ وَإِبْرَاهِيمُ وَمُوسَى وَعِيسَى، وَالْأَرْبَعَةُ مِنَ الْآخِرِينَ مُحَمَّدٌ وَعَلِيٌّ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ (ع)، وَمَعْنَى يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ يَعْنِي الْعِلْمَ» (قمی ۱۳۶۷ ش: ج ۲، ۳۸۴؛ کلینی ۱۴۰۷ ق: ج ۴، ۵۸۵؛ بحرانی ۱۴۱۵ ق: ج ۵، ۴۷۴). هم‌چنین، در برخی متون از ثمانیه در این آیه به هشت صف از ملائکه تعبیر شده است: «صَفُوفٌ مِنَ الْمَلَائِكَةِ لَا يَعْلَمُ عَدَدَهُمْ إِلَّا اللَّهُ» (طوسی بی تا: ج ۱۰، ۱۰۰؛ مشهدی قمی ۱۳۶۸ ش: ج ۱۳، ۴۱۳). از سویی، در برخی روایات حاملان عرش الهی، به جای هشت، چهار خلق به صورت‌های خروس، شیر، گاو، و انسان از خلاق‌اند:

أَنَّ حَمَلَةَ الْعَرْشِ الْيَوْمَ أَرْبَعَةٌ وَاحِدٌ مِنْهُمْ عَلَىٰ صُورَةِ الدَّيَكِ يَسْتَرْزِقُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِطَيْرٍ وَوَاحِدٌ عَلَىٰ صُورَةِ الْأَسَدِ يَسْتَرْزِقُ اللَّهُ تَعَالَىٰ لِلسَّبَّاحِ وَوَاحِدٌ عَلَىٰ صُورَةِ الثَّوْرِ يَسْتَرْزِقُ اللَّهُ تَعَالَىٰ لِلْبَهَائِمِ وَوَاحِدٌ مِنْهُمْ عَلَىٰ صُورَةِ بَنِي آدَمَ يَسْتَرْزِقُ اللَّهُ تَعَالَىٰ لَوْلَادِ آدَمَ (ع) فَإِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ صَارُوا ثَمَانِيَةً (ابن بابویه ۱۴۱۳ ق: ج ۱، ۴۸۳؛ مجلسی ۱۴۰۳ ق: ج ۲، ۷۰۲؛ حویزی ۱۴۱۵ ق: ج ۵، ۴۰۴).

بر این اساس، تا روایات به لحاظ سندی و متنی بررسی و تحلیل نشوند، نمی‌توان به سادگی به هم‌نشین «ثمانیه» در آیه مذکور پی برد، اما باتوجه به برخی روایاتی که از

«ثمانیه» در آیه به «صفوف هشت‌گانه» تعبیر کرده‌اند، می‌توان معنای قدسیت را که به آن در منابع نمادشناسی توجه شده، فقط به‌مثابه یک احتمال در آیه مذکور در نظر داشت.

آیه دیگری که شمارواژه «هشت» در آن به‌کار رفته «سَيَقُولُونَ ثَلَاثَةً رَابِعُهُمْ كَلْبُهُمْ وَيَقُولُونَ خَمْسَةً سَادِسُهُمْ كَلْبُهُمْ رَجْمًا بِالْغَيْبِ وَيَقُولُونَ سَبْعَةً وَثَامِنُهُمْ كَلْبُهُمْ [...]» (کهف: ۲۲) است. این آیه به برخی از اختلاف‌نظرها درباره تعداد اصحاب کهف پرداخته است. سپس، تعداد آن‌ها را دانسته خداوند ذکر می‌کند. شمارواژه «هشت» آن‌جا به‌کار رفته است که قول برخی از مردم مبنی بر هفت تن بودن اصحاب کهف را آورده و آن‌گاه هشتمین ایشان را سگ آن‌ها دانسته است. آنچه سبب شده تا عده‌ای از مفسران شمارواژه هشت در آیه مذکور را به‌گونه‌ای نمادین معنی کنند (برای آگاهی از معانی نمادین این آیه، بنگرید به قرطبی ۱۳۷۲ ش: ج ۳، ۳۸۲؛ ثعلبی ۱۴۲۲ ق: ج ۸، ۲۵۸؛ میدی ۱۳۷۱ ش، ج ۸، ۴۳۸؛ سلطان‌علی شاه ۱۴۰۸ ق: ج ۸، ۳۸۶؛ بلاغی: بی‌تا، ج ۷، ۲۶۷، ۲۶۸؛ عاملی ۱۳۶۰ ش: ج ۷، ۱۲۹؛ مکارم شیرازی ۱۳۷۱ ش: ج ۱۲، ۳۸۷؛ جعفری بی‌تا: ج ۴، ۵۸۱)، آمدن «واو» قبل از «ثامنهم» است. ایشان با پذیرش نظریه «واو ثمانیه» آیات دیگری مانند «التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْآمِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ» (توبه: ۱۱۲) و «وَسَيَقُولُ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا حَتَّىٰ إِذَا جَاؤُهَا وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا» (زمر: ۷۳) را شاهد بر آن آورده‌اند. در آیه نخست، صفت ناهون از منکر هشتمین صفت ذکر شده در کلام است. از این رو، «واو» پیش از آن به‌کار رفته است. نیز واوی که پیش از «فتحت ابوابها» به‌کار رفته، «ثمانیه» بوده و دلالت بر این می‌کند که بهشت هشت در دارد (همان). استعمال «واو ثمانیه» در اشاره به سگ اصحاب کهف را می‌توان به‌مثابه آغاز دسته‌ای جدید پس از کامل شدن گروه انسان‌هایی دانست که غارنشین بودند. درمقابل این نظر، گروه دیگری از مفسران و نحویان به وجود «واو ثمانیه» در این آیات اشاره نکرده‌اند و «واو» را زائده یا عطف دانسته‌اند (نحاس بی‌تا: ج ۲، ۴۵۲، ۴۵۳؛ زجاج ۱۴۱۴ ق: ج ۳، ۲۷۷؛ هروی بی‌تا: ۷۸؛ حاجی اسماعیلی ۱۳۹۱ ش: ۵۴؛ ابوالفتوح رازی ۱۴۰۸ ق: ج ۱۶، ۳۵۲؛ سیوطی ۱۴۰۴ ق: ج ۱، ۶۲۰؛ طباطبایی ۱۴۰۲ ق: ج ۱۳، ۲۶۹). بنابراین، با توجه به آرای موافقان و مخالفان، آوردن «واو ثمانیه» در آیات مذکور محل اختلاف است. بنابراین، در صورت پذیرش کاربرد «واو ثمانیه» در این آیات، معنای نمادین «آغاز مجدد» محتمل است.

شمارواژه «ثمانیه» با هم‌نشین «ازواج» در آیات «ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ مِنَ الصَّانِئَاتَيْنِ وَمِنَ الْمُعْزَرِ اثْنَيْنِ [...] وَمِنَ الْإِبِلِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْبَقَرِ اثْنَيْنِ [...]» (انعام: ۱۴۳-۱۴۴) و «[...] وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ

الْأَنْعَامِ ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ [...]» (زمر: ۶) به کار رفته است. در این آیات، از میش و بز و شتر و گاو به همراه ماده‌های آن‌ها نام برده شده که در مجموع هشت زوج را می‌سازند. بعضی کلمه «ازواج» را جمع زوج و به معنای عدد دو دانسته‌اند، اما بر این نظرند که «زوج» به هریک از طرفین در رابطه زوجی اطلاق می‌شود (صاحب بن عباد ۱۴۱۴ ق: ج ۷، ۱۴۸؛ ابن فارس ۱۴۰۴ ق: ج ۳، ۴۵؛ ابن منظور ۱۴۱۴ ق: ج ۲، ۲۹۱؛ مصطفوی ۱۳۷۶ ش: ج ۴، ۳۶۰). عده‌ای نیز بر آن‌اند که این چهار نوع چون نر و ماده دارند، هشت زوج خواهند بود (مقاتل بن سلیمان ۱۴۲۳ ق: ج ۱، ۵۹۳؛ ثعلبی ۱۴۲۲ ق: ج ۴، ۱۹۹؛ خطیب ۱۴۲۴ ق: ج ۴، ۳۲۸؛ طباطبایی ۱۴۰۲ ق: ج ۷، ۳۶۵؛ فضل‌الله ۱۴۱۹ ق: ج ۹، ۳۴۹؛ مدرسی ۱۴۱۹ ق: ج ۳، ۲۱۴). عده‌ای، باتوجه به برخی روایات، زوجیت در این آیه را به همین چهار نوع حیوان که اهلی و وحشی دارند، تعبیر می‌کنند (بحرانی ۱۳۷۴ ش: ج ۲، ۴۸۷؛ فیض کاشانی ۱۴۱۵ ق: ج ۲، ۱۶۴؛ قمی مشهدی ۱۳۶۸ ش: ج ۴، ۴۶۳؛ حویزی ۱۴۱۵ ق: ج ۱، ۷۷۳). بنابراین آراء، معنای شمارشی برای این عدد در نظر گرفته شده است، اما به این علت که «ثمانیه» در آیات مذکور مجموعه‌ای از چهار دوتایی است، شاید بتوان این عدد را بیان‌گر مفهوم ضمنی «تعادل» نیز دانست، زیرا به لحاظ عقلی، چهار زوج در کنار یک‌دیگر و در قالب یک عدد، که همان هشت است، به تعادل رسیده‌اند. پیش‌تر نیز از اولین و اصلی‌ترین کاربردهای معنایی نمادین «هشت» در فرهنگ‌های گوناگون، به‌ویژه فرهنگ عرب جنوب شبه‌جزیره، به «تعادل و قانون‌مندی» تعبیر شد (علی ۱۳۹۱ ق: ج ۱۵، ۳۹؛ شوالیه و گربران ۱۳۸۷ ش: ج ۵، ۵۴۶-۵۴۹؛ شفر ۱۳۹۳ ش: ۲۵۹؛ کوپر ۱۳۹۲ ش: ۲۷۱؛ نورآقایی ۱۳۸۷ ش: ۸۳).

بر این اساس، افزون بر معنای شمارشی برای «ثمانیه»، معانی نمادین «تعادل، هماهنگی، قانون‌مندی» و نیز مفاهیم نمادین «فزونگی» و «آغاز مجدد» (در صورت پذیرش استعمال «واو ثمانیه» در برخی آیات) در قرآن احتمال می‌رود، درحالی‌که دلیلی بر استعمال معنای نمادین «قدسیت» برای این شمارواژه در کاربردهای قرآنی یافت نشد.

۲.۴ زوج

واژه «زوج» در قرآن ۸۱ بار به کار رفته و در اغلب کاربردهای آن به هریک از طرفین در رابطه زوجی اطلاق شده است. این واژه در برخی آیات به معنای «همسر انسان» به کار رفته است: «وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ» (بقره: ۳۵)؛ «وَقَالُوا مَا فِي بُطُونِ هَذِهِ الْأَنْعَامِ خَالِصَةٌ لِدُنُورِنَا وَ

مُحَرَّمٌ عَلَىٰ أَزْوَاجِنَا [...]» (انعام: ۱۳۹)؛ «قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ [...]» (توبه: ۲۴)؛ «وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَيْنًا وَحَفْذَةً [...]» (نحل: ۷۲). خداوند در این آیات برای بیان طرفین رابطه زوجیت از واژه زوج استفاده کرده است، برخلاف فارسی امروزی که به دوطرف با هم اطلاق می‌شود. به‌رغم ویژگی‌های دو جنس زن و مرد و تفاوت‌های جسمی و روحی میان زوج انسان، به بیان قرآن، این تفاوت‌ها در رابطه زوجیت آرامش‌درپی دارد: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا [...]» (روم: ۲۱). از آنجایی که آرامش و سکون نوعی حالت تعادلی در انسان است، می‌توان حاصل زوجیت در انسان را همان تعادل و به‌نوعی کامل‌شدن او به‌لحاظ جسمی و روحی دانست.

«زوج»، افزون‌بر انسان، به دیگر موجودات نیز اطلاق شده است. برای نمونه، می‌توان به «زوجین اثنین» (هود: ۴۰) در هنگام سوارشدن به کشتی نوح، یک جفت از هر آنچه بود، «زوجین اثنین» (رعد: ۳) جفت میوه‌ها، «ازواج من نبات شتی» (طه: ۵۳) جفت گیاهان، «ثمانیه ازواج» (انعام: ۱۴۳) نر و ماده یا اهلی و وحشی از چهارپایان اشاره کرد. در تمامی این‌ها، زوجیت به همان مفهوم جفت‌بودن «be coupled» به‌کار رفته است. این‌که حضرت نوح (ع) یک جفت از هرچه را موجود بود، در کشتی سوار کرد، می‌تواند ناظر به این معنا باشد که طرفین زوجیت مکمل یک‌دیگرند و با هم به تعادل می‌رسند تا آنچه پس از نوح بر زمین باقی می‌ماند، نظامی متعادل و متوازن از موجودات را برقرار سازد.

بنابراین، «زوج» در قرآن به‌معنای جفت‌شدن و پیوندیافتن دو شئی است که به‌رغم داشتن تفاوت‌ها، با قرارگرفتن در کنار یک‌دیگر به تعادل می‌رسند.

۵. کارکرد ماده «نزول»

شناخت دقیق مفهوم «ثمانیه ازواج» نیازمند بررسی فعل هم‌نشین این اصطلاح در آیه ششسوره «زمر» است. خداوند در این آیه فعل «انزل» را به «ثمانیه ازواج» نسبت داده است، درحالی‌که سیاق قبل و بعد نشان از آفرینش انسان و مراحل آن با فعل «خلق» دارد. از این‌روست که بررسی ماده «نزول» و چرایی به‌کاررفتن آن در ارتباط با «ثمانیه ازواج» می‌تواند راه‌گشا باشد.

ریشه «نزل» در فرهنگ‌های تطبیقی به‌معنای پایین‌آمدن، ریزش، و جاری‌شدن است (مشکور ۱۳۵۷ ش: ۹۰۲). این ریشه در زبان‌های عبری و سریانی و حبشی نیز به‌معنای

«go down, flow, drop, fall» آمده است که بیان‌گر معنای ریزش و پایین آمدن است (Costaz 2002: 215; Leslau 1991: 411; Gesenius 1939: 633; Justrow 1903: 892).

فعل «انزل» از ریشه «نزل»، در فرهنگ و زبان عرب، به معنای «از بلندی به پایین آمدن: من علو إلى سفلى» و «حلول» به کار رفته است (خلیل بن احمد ۱۴۰۹ ق: ج ۷، ۳۶۷؛ صاحب بن عباد ۱۴۱۴ ق: ج ۹، ۵۵؛ جوهری ۱۴۰۷ ق: ج ۵، ۱۸۲۸؛ ابن سیده بی تا: ج ۹، ۴۵؛ زمخشری ۱۳۹۹ ق: ۶۲۸). هرچند معنای ریشه «نزل» در زبان عرب تقریباً همان معنای به کار رفته در زبان‌های قدیم است، مشتقات «نزل» دارای معنای دیگری مانند نُزِل (= آن چه برای مهمان مهیا می کنند) است (خلیل بن احمد ۱۴۰۹ ق: ج ۷، ۳۶۷). «ذو نزل» به معنای کسی که صاحب عطا و بخشش است (زهری ۱۳۴۷ ق: ج ۱۳، ۱۴۴). «نزیل» یعنی مهمان (جوهری ۱۴۰۷ ق: ج ۵، ۱۸۲۸) و «النزله» یعنی آن چه که برای مهمان آماده می کنند (زمخشری ۱۳۹۹ ق: ۶۲۸). هم چنین، «نزل» به معنای باران است (ابن منظور ۱۴۱۴ ق: ج ۱۱، ۶۵۹). به نظر می رسد که معنای «آن چه برای مهمان آماده می کنند» و «عطا و فضل» به نوعی تکریم طرف مقابل است که با نزول خیر به دیگران هم راه است. بنابراین، ریشه «نزل» در زبان عربی کاربردهای متنوع تری دارد که می تواند در ارتباط با همان معنای مشهور این ریشه، یعنی «ریزش»، باشد.

ریشه «نزل» در قرآن ۲۹۳ بار به کار رفته که از این تعداد فعل «انزل» ۵۸ کاربرد داشته است. «انزل» در قرآن به امور و عناصر فراوانی نسبت داده شده است که عبارت است از مفاهیم وحیانی چون قرآن عربی، حکم عربی، تورات و انجیل، کتاب، حکمت، ذکر، فرقان، بینات، هدایت، برخی از خوراکی ها مانند گزنگبین و بلد رچین، مائده آسمانی، عوامل مؤثر در طبیعت و زندگی بشری هم چون آب (به صورت باران)، چهارپایان، آرامش در حالت خواب سبک، آهن، رزق، عوامل ماورای طبیعی مانند فرشته، جنود آسمانی، برخی از علوم مانند علمی که به دو ملک هاروت و ماروت آموخته شد. در تمامی این موارد، آن چه عمل «نزل» به آن نسبت داده شده، گیرنده اش انسان است. مفاهیم وحیانی، خوراکی ها، عناصر طبیعی، چون آب و آهن، علم و عوامل ماورای طبیعی همگی برای انسان نازل شده اند. بعضی به منظور کمک به حیات مادی بشر و برخی برای هدایت و کمال معنوی او نازل شده اند. از طرفی، مکان نزول این موارد نیز از جایی است که نسبت به انسان در موقعیت بالا قرار دارد «مِنَ السَّمَاءِ مَاءً» (بقره: ۲۲)، «مَائِدَةٌ مِّنَ السَّمَاءِ» (مائده: ۱۱۲). فرستنده آن نیز به تصریح این آیات خداوند است: «إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنزَلَ اللَّهُ» (بقره: ۱۷۴)، «فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ» (توبه: ۲۶). بدیهی است تمامی این

موارد باید خلق و موجود شوند و از عالم بالا برای بشر نزول یابند. بنابراین، خلق آن‌ها و نزولشان باهم در ارتباط است. از این رو، در آیه «خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَ أَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ الْأَنْعَامِ ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ يَخْلُقُكُمْ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ خَلْقًا مِنْ بَعْدِ خَلْقٍ فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ ذَلِكَُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَآئِي تُصَرِّفُونَ» (زمر: ۶)، آن‌جا که سخن از انسان در میان است، از فعل «خلق» استفاده شده و آن‌جا که به «انزال چهارپایان» اشاره شده، ضمیر «لکم» به کار رفته است. در این آیه، هم‌چون کاربردهای قرآنی دیگر «نزل»، انسان گیرنده «ثمانیه ازواج» است. بر این پایه، علاوه بر یکی‌انگاری «انزال» و «خلق»، که بعضی از مفسران به آن اشاره کرده‌اند (طبرانی ۲۰۰۸ م: ج ۵، ۳۶۳؛ فیض کاشانی ۱۴۱۵ ق: ج ۴، ۳۱۴)، احتمال معنایی دیگری نیز برای «انزال» در آیه مذکور می‌توان بررسی کرد. اولین احتمال با نظر داشتن اسناد ماده «نزل» به مواردی چون «باران» و «عطا و فضل» و «خیر» در زبان عربی و کاربردهای قرآنی قابل‌ارائه است. بدین سان که «انزال ثمانیه ازواج» بیان‌گر فروفرستادن بارانی از «انعام» بر سر انسان‌هایی باشد که گیرنده آن‌اند. به‌دیگر سخن، مراد این است که انبوهی از چهارپایان را برای مخاطبان آیه فراهم کرده است. به احتمال معنایی دیگری برای اسناد «انزال» به «ثمانیه ازواج» در این آیه می‌توان توجه کرد که پس از اتمام خلق «ثمانیه ازواج» مرحله «انزال» این موجودات برای انسان‌هایی آغاز می‌شود که گیرنده آن‌اند؛ یعنی خداوند در بهشت خلقشان کرد، سپس به زمین فرستاد (فخر رازی ۱۴۲۰ ق: ج ۲۶، ۴۲۴). برخی مفسران نیز از «انزال» در این آیه به «جعل» تعبیر کرده‌اند (مقاتل بن سلیمان ۱۴۲۳ ق: ج ۳، ۶۷۰؛ طبری ۱۴۱۲ ق: ج ۲۳، ۱۲۴). برپایه این دیدگاه، خداوند پس از مرحله «خلق» چهارپایان را در زمین قرار داده است. همان‌گونه که به بیان قرآن آهن و رزق را برای بشر قرار داده است. احتمال سوم با توجه به کاربرد ماده «ن - ز - ل» به معنای «به‌منزله چیزی در نظر گرفتن و براساس منزله‌اش تقدیر کردن» در آیه «وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزَلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ» (حجر: ۲۱) قابل‌ارائه است. بدین سان که کارکرد ماده «نزل» در آیه مورد بحث را نیز بتوان با مفهوم «تقدیر» تبیین کرد. این‌گونه که چهارپایان برپایه منزله‌ای که برایشان در نظر گرفته می‌شود، تقدیر شده‌اند. برخی برآن‌اند که «نزل از آسمان» وصفی از قضای الهی و تقدیر اوست. بدان سبب که وجود یافتن هر موجودی در لوح محفوظ نوشته شده است (زمخشری ۱۴۰۷ ق: ج ۴، ۱۱۴؛ فخر رازی ۱۴۲۰ ق: ج ۲۶، ۴۲۴). عده‌ای هم به مفهوم تقدیر چهارپایان از خزینه‌های غیب ذیل این آیه اشاره کرده‌اند (طیب ۱۳۶۹ ش: ج ۱۱، ۲۸۶؛ طباطبایی ۱۴۰۲ ق: ج ۱۷، ۲۳۸).

۶. کارکرد «سیاق» در آیه

بررسی رابطه «ثمانیه ازواج» با فعل هم‌نشین «انزل» آن‌گاه دقیق‌تر است که هریک از احتمال‌های تفسیری مطرح با در نظر داشتن سیاق آیه شش سوره «زمر» تحلیل شود. آیه «خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَ أَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ الْأَنْعَامِ ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ يَخْلُقُكُمْ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ خَلْقًا مِنْ بَعْدِ خَلْقٍ فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّى تُصْرَفُونَ» (زمر: ۶) را می‌توان به چهار بخش تقسیم کرد. بخش اول، به آفرینش انسان از نفس واحد با به‌کار رفتن فعل «خلق» و سپس جعل زوج از نفس واحد اشاره کرده است. در بخش دوم، «نزول ثمانیه ازواج» را آورده است. در بخش سوم، مراحل خلقت انسان را باز با فعل «خلق» بیان کرده و سرانجام از ربوبیت خالق این موجودات سخن رانده است. در این سیاق، «نزول ثمانیه ازواج» بین دوبار اشاره به «خلقت انسان» بیان شده است. احتمال معنایی اول برای «انزل» مبنی بر فراهم کردن انبوهی از چهارپایان با بخش انتهایی سیاق آیه که از ملک و فرمان‌روایی پروردگار سخن می‌گوید، با در نظر گرفتن تنبهدادن مخاطبان به قدرت خویش، می‌تواند رابطه معنایی داشته باشد. این احتمال برای «انزل» با مفهوم نمادین «فزونی» برای «ثمانیه» در قرآن و ادیان و فرهنگ‌های گوناگون هم‌سان است. هم‌چنین مفاهیم «پیوند یافتن و تقسیم» که در «زوجیت» لحاظ شده، از آن‌جاکه منجر به «تکثیر و فراوانی» می‌شود، رابطه معنایی نزدیکی با مفهوم «فزونی» دارد. ره‌یافت فوق دلالت «ثمانیه ازواج» بر «فزونی چهارپایان» را ممکن می‌کند. احتمال دوم که «انزال» را مرحله‌ای بعد از اتمام «خلق» می‌داند و از آن به «جعل» چهارپایان بر زمین تعبیر می‌کند، با تکیه بر سیاق آیه در خورتبیین است. در ابتدای آیه از «خلقت نفس واحد» و «جعل» زوجیت سخن گفته است؛ یعنی «زوجیت» را پس از اتمام مرحله «خلق» قرار داده است. سپس، برای انسانی که گیرنده «ثمانیه ازواج» است، به مرحله «انزال» این موجودات اشاره کرده که بایست پس از اتمام خلقتشان باشد. بدیهی است که در این مرحله، باید به منظور بهره‌مندی انسان روی زمین قرار داده شوند که بهترین تعبیر «جعل» این حیوانات است و در ادامه، به مراحل خلق درون بدن انسان اشاره کرده است. سرانجام، تنبه انسان به قدرت و فرمان‌روایی‌اش را بر انسان و چهارپایانی که برای او خلق کرده، متذکر شده است. شاید بتوان این احتمال برای «انزل» را با معنای نمادین «شروع در سطحی دیگر» برای «ثمانیه» مرتبط دانست. بدین سان که پس از اتمام «خلق ثمانیه ازواج»، مرحله «انزال» این موجودات در سطحی دیگر آغاز می‌شود و در زمین قرار داده می‌شوند. قرارگیری چهارپایان روی زمین برای انسان‌ها

تحقق بخشیدن به خلقتی است که قبلاً صورت پذیرفته است. همان گونه که بر پایه معنای نمادین «آغاز مجدد»، «هشت» یعنی تحقق آنچه هفت آماده و کامل کرده بود. از سویی، «زوجیت» نماد قطبیت و تقسیم است. از توالی تقسیم‌ها، حیات مادی استمرار می‌یابد. بنابراین، مفهوم «آغاز مجدد» در تقسیم‌های متوالی در هر مرحله را می‌توان در نظر گرفت. از این رو، با لحاظ معنای احتمالی دوم، یعنی «جعل» چهارپایان بر زمین، احتمال تأیید مفهوم ضمنی «تجدید و استمرار حیات» برای «ثمانیه ازواج» قوت می‌گیرد. سومین احتمال، یعنی به منزله چیزی در نظر گرفتن و بر اساس منزله‌اش تقدیر کردن، واجد مفهوم «اندازه‌گیری» و «قانون‌مندی» است. سیاق ابتدایی آیه بر خلقت انسان و قرارداد «زوج» برای او حکایت می‌کند و «زوجیت» از منظر نمادشناسی رابطه‌ای تعادلی است. از آنجایی که قانون‌مندی در یک مجموعه منجر به برقراری نظم و حساب و کتاب می‌شود و در یک مجموعه منظم نیز اجزا در تعادل با یکدیگر قرار می‌گیرند، می‌توان رابطه معنایی نزدیکی میان قانون‌مندی و نظم و «تعادل» در نظر گرفت. از این رو، می‌توان این بخش از آیه را بیان‌گر تعادل و قانون‌مندی دانست. ادامه آیه (بخش سوم) نظم دقیق آفرینش در طی مراحل خلقت جنین انسان را بیان می‌کند و در بخش پایانی مراد از بیان این تعادل و قانون‌مندی در نظام آفرینش را تنبه انسان به خداوند خالق او می‌داند. باید در نظر داشت که سیاق آیه پیشین «خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ [...]» (زمر: ۵) نیز از خلقت بر حق آسمان‌ها و زمین پرده برداشته است. این بیان در آرای برخی از مفسران، ذیل همین آیه، مشاهده می‌شود. برای نمونه، این آیه‌ها نشانه‌ای بر وجود قانون برای پدیده‌های طبیعی دانسته شده است (فضل‌الله ۱۴۱۹ ق: ج ۱۹، ۳۰۲)، یا از برحق بودن آسمان‌ها و زمین به نبود اختلال در نظام آفرینش تعبیر شده است (ابن‌عاشور ۱۴۲۰ ق: ج ۲۴، ۱۹). هم‌چنین، از اشاره آیه به «تکویر لیل بر نهار» گوشه‌ای از تدبیر عجیب و تغییرات دقیق و نظام‌های شگرف حاکم بر آن‌ها دریافت شده است (طباطبایی ۱۴۰۲ ق: ج ۱۷، ۲۳۷). با توجه به معنای نمادین «تعادل و قانون‌مندی» برای «ثمانیه» در ادیان و فرهنگ‌های گوناگون و نیز مفهوم «تعادل» در رابطه «زوجیت»، می‌توان معنای ضمنی «تعادل و قانون‌مندی» را برای «ثمانیه ازواج» با در نظر داشتن احتمال معنایی سوم، یعنی «تقدیر کردن به منزله چیزی»، برای «انزل» در نظر گرفت. بر این اساس، سیاق آیه شش‌سوره «زمر» با احتمال‌های معنایی مطرح شده برای فعل «انزل»، که از سه معنای نمادین «فرونی» و «تجدید» و «تعادل» حکایت می‌کرد، رابطه معنایی نزدیکی دارد. همین معانی هم در روابط معنایی میان «ثمانیه» و «زوج» و سیاق آیه دریافت می‌شود.

۷. نتیجه‌گیری

ترکیب «ثمانیه ازواج» در آیه شش سوره «زمر»، با تکیه بر روابط معنایی «ثمانیه» با سیاق آیه، فعل هم‌نشین «انزل» و معدود «ازواج» ازمنظر ریشه‌شناسی و نمادشناسی واکاوی شد. در گام اول، برپایه بررسی ریشه «ثمانیه» در زبان‌های سامی و عربی مفهوم شمارشی «هشت» و با تکیه بر نمادشناسی، معانی «تعادل»، «آغاز مجدد»، «فزونی»، و «قدسیت» برای «ثمانیه» به‌دست آمد. این معانی در قرآن نیز به‌کار رفته است. سپس، ریشه «ز و ج» نیز با تکیه بر رویکردهای مدنظر تحلیل شد. معنای این ریشه در زبان‌های سامی پیوند دادن، وصل کردن، تعادل و در زبان عربی مقارنه و پیوندیافتن برپایه رابطه مشابهت لحاظ شد. هم‌چنین، برپایه نمادشناسی، معانی نمادین قطیبت، تقسیم، قدرت مضاعف، توازن، ثبات، و تضاد «زوجیت» در ادیان و فرهنگ‌های گوناگون یافت شد. باتوجه به ریشه‌شناسی و کاربردهای قرآنی، معانی احتمالی «فرستادن باران»، «جعل»، «تقدیرکردن»، و «خلق» برای ماده «نزل» ارائه شد. با درنظرداشتن این معانی، رابطه «ثمانیه ازواج» و فعل «انزل» تبیین شد و سه احتمال معنایی برای «ثمانیه ازواج» افزون بر معنای متبادر «هشت زوج از چهارپایان» مطرح شد. این احتمال‌های معنایی عبارت‌اند از «فزونی چهارپایان»، «استمرار و تجدید حیات»، و «تعادل و قانون‌مندی». سرانجام، سیاق آیه‌ها با درنظرداشتن معانی مذکور بازخوانی شدند. سازگاری این معانی با سیاق آیه احتمال دلالت «ثمانیه ازواج» بر این معانی را قوت بخشید.

پی‌نوشت

۱. مقاله برگرفته‌شده از رساله دکتری زهرا بشارتی.

کتاب‌نامه

- قرآن کریم (۱۳۸۳)، ترجمه حسین انصاریان، قم: اسوه.
- کتاب مقدس، عهد عتیق و عهد جدید (۱۳۸۰)، ترجمه فاضل حان همدانی و ویلیام گلن و هنری مرتن، تهران: اساطیر.
- ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی (۱۴۱۳ ق)، من لایحضره الفقیه، به تحقیق محمد بن علی غفاری، قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.
- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی (۱۴۲۲ ق)، زاد المسیر فی علم التفسیر، بیروت: دار الکتب العربی.
- ابن‌سیده، علی بن اسماعیل (بی‌تا)، المحکم و المحيط الاعظم، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن‌عاشور، محمد بن طاهر (۱۴۲۰ ق)، التحریر و التنویر، بیروت: مؤسسه التاریخ العربی.

- ابن عطیه اندلسی، عبدالحق بن غالب (بی تا)، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، به تحقیق عبدالسلام شافی محمد، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴ ق)، معجم مقاییس اللغة، به تصحیح عبدالسلام محمد هارون، قم: مکتبة الاعلام الاسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق)، لسان العرب، به تحقیق جمال الدین میردامادی، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع دار صادر.
- ابن هشام، عبدالله بن یوسف (۱۹۹۸ م)، معنی اللیب عن کتب الاعاریب، به کوشش مازن مبارک و محمدعلی حمدالله و راجعه سعید الافغانی، بیروت: دار الفکر.
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸ ق)، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد: بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی.
- ازهری، محمد بن احمد (۱۳۴۷ ق)، تهذیب اللغة، تصحیح محمد هارون عبدالسلام و محمدعلی نجار، القاهرة: مؤسسة المصرية العامة.
- امامی، صابر (۱۳۷۸ ش)، «نماد و جایگاه آن در قرآن»، کتاب ماه هنر، ش ۱۲.
- بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۳۷۴ ش)، البرهان فی تفسیر القرآن، قم: مؤسسة البعثة.
- بلاغی نجفی، محمدجواد (۱۴۲۰ ق)، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، قم: وجدانی.
- بهزادی، رقیه (۱۳۸۲ ش)، قوم های کهن؛ در قفقاز، ماورای قفقاز، بین النهرین و هلال حاصل خیز، تهران: نشر نی.
- ثعلبی، احمد بن محمد (۱۴۲۲ ق)، الكشف و البیان، به تحقیق ابی محمد ابن عاشور، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- حریری، قاسم بن علی (۱۲۷۲ ق)، درة الغواص فی اوهام الخواص، تهران: بی نا.
- حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵ ق)، تفسیر نور الثقلین، به تحقیق سیدهاشم رسولی محلاتی، قم: اسماعیلیان.
- جعفری، یعقوب (بی تا)، تفسیر کوثر، قم: هجرت.
- جفری، آرتور (۱۳۷۲ ش)، واژه های دخیل در قرآن مجید، ترجمه فریدون بدره ای، تهران: توس.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۷ ق)، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة، به تحقیق احمد عبدالغفور عطار، بیروت: دار العلم للملایین.
- خطیب، عبدالکریم (بی تا)، تفسیر القرآنی للقرآن، بی جا: بی نا.
- خلیل بن احمد (۱۴۰۹ ق)، کتاب العین، قم: مؤسسة دار الهجرة.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۳۰ ق)، مفردات الفاظ قرآن، بیروت: دار الشامیة.
- رسائل اخوان الصفا و خلائق الوفاء (۱۹۹۲ م)، بیروت: الدار الاسلامیة.
- زجاج، ابراهیم السری (۱۴۱۴ ق)، معانی القرآن و اعرابه، به تحقیق عبدالجلیل عبده الشلبی، القاهرة: دار الحدیث.

بازتعریف دلالت «ثمانیه ازواج» در آیه ۶ سوره «زمر» ... ۵۹

زحیلی، وهبه بن مصطفى (۱۴۱۸ ق)، *التفسير المنير في العقيدة والشريعة والمنهج*، بیروت: دار الفكر المعاصر.
زمخشری، محمود بن عمر (۱۳۹۹ ق)، *اساس البلاغة*، بیروت: دار صادر.

زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ ق)، *الكشاف عن الحقائق غوامض التنزيل*، بیروت: دار الكتاب العربی.
سلطان علی شاه، محمد بن حیدر (۱۴۰۸ ق)، *بیان السعادة فی مقامات العبادة*، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.

سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۰۶ ق)، *الاشباه والنظائر فی النحو*، مؤسسة الرسالة.
شفرده، راپرت و راونا شفرده (۱۳۹۳ ش)، ۱۰۰۰ نماد؛ در هنر و اسطوره شکل به چه معناست، ترجمه آزاده بیداریخت و نسترن لواسانی، تهران: نشر نی.

شوالیه، ژان و آلن گریبان (۱۳۷۸ ش)، *فرهنگ نمادها*، ترجمه و تحقیق سودابه فضایی، تهران: جیحون.
شیرزاد، محمدحسین، محمدحسن شیرزاد، و محمدصادق هدایتزاده (۱۳۹۵ ش)، «ره یافتی زبان شناختی به برابری جنسیتی در قرآن کریم؛ نقدی بر فمینیسم اسلامی»، *مطالعات قرآن و حدیث*، ش ۱۸.

شیمیل، آنه ماری (۱۳۹۵ ش)، *راز اعداد*، ترجمه فاطمه توفیقی، قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.
صاحب بن عباد، اسماعیل بن عباد (۱۴۱۴ ق)، *المحیط فی اللغة*، به تحقیق محمدحسن آل یاسین، بیروت: عالم الكتب.

طباطبایی، محمدحسین (۱۴۰۲ ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
طبرانی، سلیمان بن احمد (۲۰۰۸ م)، *التفسیر الکبیر*، اردن: دارالکتاب الثقافی.
طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ ش)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: ناصرخسرو.
طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ ق)، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار المعرفة.
طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵ ش)، *مجمع البحرین*، به تصحیح احمد حسینی اشکوری، تهران: مکتبه المرتضویه.

طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ ق)، *امالی*، تحقیق مؤسسه بعثت، قم: دار الثقافة.
طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

طیب، سیدعبدالحسین (۱۳۶۹ ش)، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: اسلام.
عاملی، ابراهیم (۱۳۶۰ ش)، *تفسیر عاملی*، به کوشش علی اکبر غفاری، تهران: صدوق.
علی، جواد (۱۳۹۱ ق)، *المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام*، بغداد: مکتبه النهضة.

فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ ق)، *مفاتیح الغیب*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
فضل الله، سیدمحمدحسین (۱۴۱۹ ق)، *من وحی القرآن*، بیروت، دار الملائک للطباعة و النشر.
فیروزآبادی، محمد بن یعقوب (بی تا)، *القاموس المحیط*، بیروت: دار الكتب العلمیه.

فیض کاشانی، مولی محسن (۱۴۱۵ ق)، *الصفافی*، تهران: صدر.
قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۷۲ ق)، *الجامع لاحکام القرآن*، بیروت: دار الفکر.
قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۷ ش)، *تفسیر قمی*، به تحقیق موسوی جزایری، قم: دار الكتاب.

- کاشفی سبزواری، حسین بن علی (۱۳۶۹ ش)، *مواهب علیه*، تهران: اقبال.
- کویر، جی. سی. (۱۳۹۲ ش)، *فرهنگ نمادهای آیینی*، ترجمه رقیه بهزادی، تهران: علمی.
- مالمیر، تیمور (۱۳۸۷ ش)، «جابه‌جایی‌های عددی اسطوره‌های آفرینش نخستین انسان»، *جستارهای ادبی*، ش ۱۶۰.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ ق)، *بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مدرسی، سیدمحمدتقی (۱۴۱۹ ق)، *من هدی القرآن*، تهران: دار محیی الحسین.
- مرتضی زبیدی، محمد بن محمد (۱۴۱۴ ق)، *تاج العروس من جواهر القاموس*، به تحقیق علی هلالی و علی شیری، بیروت: دار الفکر.
- مشکور، محمدجواد (۱۳۵۷ ش)، *فرهنگ تطبیقی عربی با زبان‌های سامی*، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- مشهدی قمی، محمد بن محمدرضا (۱۳۶۸ ش)، *کنز الدقائق و بحر الغرائب*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۸ ش)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مقاتل بن سلیمان بلخی (۱۴۲۳ ق)، *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
- مبیدی، رشیدالدین (۱۳۷۱ ش)، *کشف الاسرار و عدة الابرار*، تهران: امیرکبیر.
- نحاس، محمد بن محمد (بی‌تا)، *اعراب القرآن*، به تحقیق زهیر غازی زاهد، بیروت: مکتبه النهضة.
- نورآقایی، آرش (۱۳۸۷ ش)، *عدد، نماد، اسطوره*، تهران: افکار.
- هروی، علی بن محمد (بی‌تا)، *الازهیه فی علم الحروف*، به تحقیق عبدالمعین الملوحي، دمشق: مجمع اللغة العربیة.
- یعقوب، امیل بدیع (۱۴۰۸ ق)، *موسوعة الحروف فی اللغة العربیة*، بیروت: دار الجیل.

Brun, S. J. (1895), *Dictionarium Syriaco - Latinum*, Beirut.

Costaz, Louis (2002), *Dictionarie Syriaque-Francais; Syriac-English Dictionary*, Beirut: Dar El-Machreq.

Gesenius, William (1939), *A Hebrew and English Lexicon of the Old Testament*, F.A. Brown (ed.), United King: Oxford.

Jastrow, Marcus (1903), *A Dictionary of the Targumim*, London, New York: G. P. Putnams Sons.

Leslau, Wolf (1991), *Comparative Dictionary of Ge'ez*, Otto Harrassowitz and Wiesbaden.

Lévi-Strauss, Claude (1974), *Structural Anthropology*, Basic Books.

Macuch, R. and E. S. Drower (1963), *A Mandaic Dictionary*, United King: Oxford Clarendon Press.